

# افتضالات آموزش در دوران کرونا

در نشست آنلاین با «اردشیر منصوری»



برای دستیابی به گام‌های بزرگ جهت مقابله با ویروس کرونا باید با اتکا بر آمارهای جهانی وضعیت کرونا در ایران و جهان، ذهن‌مان را به هم نزدیک کنیم. این بیماری در گوشه‌ای از جهان شروع شد و به کل جهان سرایت کرد. نکته مهم این است که در موج‌های مجدد فراگیری، کدام یک از کشورها موفق‌تر و کدام یک کم‌توفیق بودند. برای مثال در آسیا، چین که مرکز شیوع این ویروس بود و کره و ژاپن که پاندمی در آن با فاصله بیشتری متمرکز بود، موفق بودند و در اروپا کشورهای سوئد، آلمان و ایتالیا که بیشترین حمله‌ها را داشتند، توانستند موج اول را مهار کنند و با موج بعدی مواجه شوند. در این بین کشور ما پس از مواجهه با این بیماری گام‌هایی برداشت ولی چون به‌تعماری جدی گرفته نشد و یا رها شد، در موج دوم دچار مشکلات بیشتری شدیم.

برای حل مسایل کشور نمی‌توانیم به سادگی الگوی کشورهای دیگری را پیاده کنیم و فارغ از تحلیل‌های سیاسی، سیاه‌نمایی و دشمن‌انگاری باید به‌عنوان تحصیل‌کرده و افراد درگیر آموزش و پرورش از وضعیت کرونا در ایران و جهان تصویر واقع‌گرایانه‌ای داشته باشیم. ارگان‌های دولتی می‌خواهند مدیریت روانی کنند که قابل درک است اما دست کم نخبه‌گان باید مقایسه را داشته باشند تا مطابق با وضعیت واقعی تصمیم بگیرند. اشکال کار کجاست؟ آیا حاکمیت مشکل دارد یا نخبه‌گان و مردم؟ در این عرصه نیاز به همت مضاعف داریم تا حاکمیت رویه‌ها را تغییر دهد و از چند پارچه‌گی بیرون بیاید. باید با تجمیع نظرات، تصمیمات درست‌تری گرفت. امروز سعی می‌کنم مخاطبم را دوستان در جوامع مدنی قرار دهم تا ببینیم ما به‌عنوان کسانی که در امر آموزش و پرورش و در لایه بین حاکمیت و مردم درگیر هستیم باید چگونه عمل کنیم. رفتار و مستندات جوادالائمه می‌تواند الگو و راهنمایی برای جامعه و مردم باشد.

براساس اسناد بین‌المللی ارکان پنج‌گانه زیر می‌تواند مجموعه‌ای مثل جوادالائمه را به‌سمت توسعه هدایت کند:

۱. مدیران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و کسانی که ابلاغیه را صادر می‌کنند با هم در ارتباط باشند؛
۲. معلم‌ها و مدیران و کارکنان با هم هماهنگ باشند زیرا شکاف بین آن‌ها باعث توقف در کارها می‌شود. مثلاً مدیران براساس نظرات خود تصمیم بگیرند در حالی که تحلیل جامعه‌مندان و کارکنان چیز دیگری باشد؛
۳. در صورتی که معلمان و مدیران هماهنگ باشند ولی با

شرایطی سراغ نیمه‌حضور بروند و یا در حالت حضوری چگونه عمل کنند و جدول زمانی دارد. مثلاً زمان‌های آموزش را سه کلاس بیست و پنج دقیقه‌ای با یک ربع استراحت در نظر بگیرد و در صورت نیاز به شبکه شاد و غیره ارجاع داده شود تا بتواند از منابع یادگیری استفاده کند.

۳. توجه به نگاه اصولی و کلان با هدف آموزش بدون توقف: همه جهان برای این مساله باید تلاش کنند چراکه این دوران نیز پاره‌ای از عمر انسان‌ها است و نباید از این پاره غفلت شود.

۴. سیاست‌های اجرایی: عمدتاً بر دو محور استوار است و شامل بحث پروتکل‌های بهداشتی، فاصله‌گذاری اجتماعی، گروه‌بندی مخاطبین، مدرسه‌های نیم‌روز و تمام‌روز و بحث تنوع وسعت، شبکه‌سازی و تعامل شرکا است.

در این شیوه‌نامه سعی شده به‌صورت تمام‌ساحتی مدارس فنی حرفه‌ای، استثنایی، خدمات مشاوره و توان‌بخشی، تربیت‌بدنی، پرورشی و... دیده شود که در کنار این شیوه‌نامه معاونت‌ها نیز در حال تولید محتوا هستند. مثلاً سازمان پژوهش هم در حال تنظیم توصیه‌نامه‌های مفصلی در باب تک‌تک دروس است و اصل بر این است که تمام دروس با شیوه‌های متنوع از جمله شیوه خودخوان ارائه شود.

در نهایت اگر این دو تجربه را یعنی تجربه بین‌المللی و تجربه ایران را کنار هم بگذاریم به سه اقدام می‌رسیم:

۱. مدیر مدرسه، مسئول بازنگه‌داشتن مدرسه و عدم توقف چرخ آموزش است، مسئولیت‌هایی از قبیل بهداشت، برخط‌کردن معلم‌ها، خدمات درمانی، زیرساختی و... را دارد؛

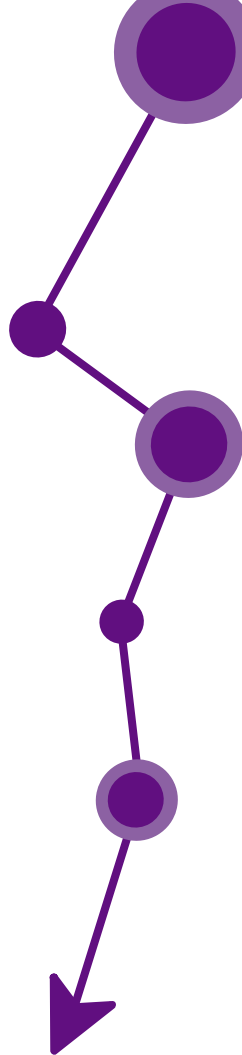
۲. معلم، مسئول آموزش در ارتباط با دانش‌آموز به‌صورت حضوری، نیمه‌حضور و غیرحضور و آماده‌سازی محتوای یادگیری است؛

۳. مادر و پدر نیز باید به‌عنوان «مادرمری»، «پدرمری»، «هری‌یار»، «معلم‌یار» و... به‌ویژه برای بچه‌های کوچک‌تر ایفای نقش کنند. البته به‌صورت آگاهانه و با دید کمک و یاری، نه با دید خودمحوری.

سه مورد فوق خلاصه فرمول عمل امسال ما است که در کنار این آمادگی برای تبدیل وضعیت قرمز به زرد یا سفید و بالعکس باید با چابکی عمل شود تا بچه‌ها بدانند بسته به گروه‌بندی وضعیت شهر خود چه تغییراتی در مدرسه و معلم به‌وجود می‌آید.

در کنار این موارد شورای عالی آموزش و پرورش مصوبه‌ای دارد که پشتوانه شیوه‌نامه را مورد تصویب قرار داده است. مثلاً در باب امتحانات به مدرسه اعتماد کرده فقط در موارد تغییر پایه از دبیرستان دوره اول به دوره دوم و مقطع دیپلم گفته باید حضوری باشد. بنابراین فضایی ایجاد شده که مدیرها بتوانند از خلاقیت و توانمندی خود استفاده کنند و همین حق را در حدود خود به معلم‌ها هم بدهند. ....

بهتر است  
بچه‌هایی که  
مشکل اتصال و  
تکنولوژی دارند  
به مدرسه بروند  
و معلم لباس  
رسمی بپوشد،  
پای تابلو برود  
و گوشی را  
دورتر قرار دهد  
تا دانش‌آموز  
خودش را در  
کلاس حس  
کند.



ذهنیت دانش آموزان آشنا نباشند، کار مختل است؛  
۴. اگر این سه گروه آماده باشند و با خانواده‌ای که باید زیرساخت را هماهنگ کند همراه نباشد باز کار به سامان نیست؛  
۵. با سایر جوامع محلی اعم از مدیران بیمارستان‌ها و مسئولان راهنمایی و رانندگی که نظم را برقرار می‌کنند، نیز باید هماهنگ باشند.

مدیران این پنج ضلع را در کنار هم قرار دهند تا به موقع کدهای رفتاری هر گروه را برداشت کنند و هم‌چنین کارگاهی برای نمایندگان اولیه، دانش‌آموزان و مسئولان تشکیل دهند و به هر بخش اعلام کنند که چه نکاتی را رعایت کند. اطلاعات زیر از سازمان جهانی بهداشت استخراج شده که شاید برخی از شما با آن آشنایی دارید و در تصمیم‌گیری مسئولین اثر می‌گذارد.

#### ۱. میزان ابتلای کودکان (از نوزاد تا هجده سال) چقدر است؟

۱. صفر و نادر است
  ۲. کمتر از بزرگسال در معرض خطر هستند
  ۳. همه به یک اندازه مستعد هستند.
- جواب: میزان ابتلا کمتر از بزرگسال است.

#### ۲. دوره نهفته‌گی برای کودکان و بزرگسالان چگونه است؟

۱. کمتر از بزرگسالان
  ۲. برابر بزرگسالان
  ۳. بیشتر از بزرگسالان.
- جواب: این دوره برابر با بزرگسالان است، نه کمتر و نه بیشتر. برای مثال از آخرین روزی که در ارتباط با فرد کرونایی بودم با وجود این که علائمی ندارم، اکنون در دوران نهفته‌گی هستم و باید پنج تا شش روز به‌طور یکسان در قرنطینه باشم.

#### ۳. آیا سن در انتقال ویروس از طریق بچه‌ها اثر دارد؟

۱. نوجوانان بیش از کودکان
۲. کودکان بیش از نوجوانان
۳. هر دو مساوی.

جواب: در این مورد گزینه یک صحیح است. با توجه به چنین وضعیتی چه اقداماتی را باید انجام دهیم؟ مدارس باید بازگشایی شوند یا نه؟ اگر بخواهند مدارس را مدیریت کنند، چگونه عمل کنند؟

کتاب مرحوم «عبدالحسین زرین‌کوب» به نام «فرار از مدرسه» نشان می‌دهد از قدیم استعداد فرار از مدرسه در دانش‌آموزان وجود داشته است ما هم به‌عنوان دانشجو، معلم و دانش‌آموز از تعطیلی مدارس خوشحال هستیم.

سازمان جهانی بهداشت از سال ۱۹۴۸ آغاز به کار کرد و اکنون در سه سطح جسمانی<sup>۱</sup>، روانی یا ذهنی<sup>۲</sup> و اجتماعی<sup>۳</sup> سلامت را پی‌گیری می‌کند. طبق تحقیقات انجام شده پایه سلامت فرد، سلامت جسمی است که در مواجهه با خطر آسیب می‌بیند. این در حالی است که اگرچه جسم اهمیت دارد ولی در وضعیت کرونایی تنها به آن توجه نکنیم، یعنی اگر از طریق کنترل فیزیکی بخواهیم جسم را میرا نگه داریم و هیچ هدایتی به سلامت روانی و اجتماعی نداشته باشیم به تدریج کلیت فردی به ضعف می‌گراید و جسم هم آسیب‌پذیر می‌شود. خیلی مهم است که تک بعدی نبینیم اگر ما ایزولاسیون را توصیه کنیم گام اساسی به سلامت جسمی است، ولی باید ببینیم نحوه ایزوله‌شدن چقدر باشد که سلامت روانی ما را تهدید نکند. الان

در رسانه‌های سراسری ما سلامت تنها جسم مورد تاکید است و وجه سلامت روانی و اجتماعی کمتر مورد توجه است. گشایش مدارس از اهمیت زیادی برخوردار است و نمی‌توان زمان زیادی مدارس را تعطیل کرد. در این شرایط سازمان جهانی بهداشت بیان می‌کند که گشایش مدرسه‌ها با شرایط خاصی امکان‌پذیر است. برای مثال بحث تعطیلی‌های طولانی مدت به میان آمد و معتقدند بودند که مدارس باید بسته باشند در صورتی که افق دید ما باید به سمت رفع سخت‌گیری و فراهم کردن شرایط مناسب باشد و با در نظر گرفتن شرایط محلی و وضعیت فراگیری تصمیم‌گیری کنیم.

در هر شاخص باید به خطرپذیری نمره بدهیم مثلا در شرایط موجود اگر مدارس را باز کنیم با خطر هشت و فایده دو مواجه خواهیم شد، در نتیجه باید از بازگشایی صرف‌نظر کنیم. این شاخص به عواملی چون اطلاع از خطرپذیری، نحوه سنجش فایده و خطر، میزان انتقال ویروس در صورت گشایش مدارس و تاثیرپذیری در یادگیری بستگی دارد.

• سرعت عمل در تشخیص و ابلاغ در مدرسه چگونه است  
گاهی یک مدرسه امکانات و تمهیداتی مانند تب‌سنجی و کارشناس بهداشت ندارد که خود در تصمیم ما اثرگذار است، در نتیجه باید شکردها و اقدامات مناسبی برای گشایش ایجاد کنیم

• میزان هماهنگی تعلیم و تربیت با نهادهای مرتبط چقدر است؟  
یعنی مدرسه چقدر با بیمارستان هماهنگ است و آیا تخت‌های رزرو برای دانش‌آموزان در شرایط خاص دارد.

• چگونگی و میزان عمل وضعیت سلامت در بیرون مدرسه به این معنی است که شما به بقیه شاخص‌ها اطمینان دارید ولی نمی‌دانید که همسایه‌ها و یا نگهبانان اطراف مدرسه در چه وضعیتی هستند.

• اطلاع از میزان فایده و خطرپذیری به ما کمک می‌کند تا از فواید بازگشایی مدارس مطلع شویم و بازگشایی مدارس را به‌طور کامل خط نزنیم.

۱. تکمیل اطلاعات و ارتقای تحصیلی با حضور در مدرسه ارتباط مستقیم دارد؛

۲. باور بر این است دانش‌آموزی که وارد فضای فیزیکی می‌شود از نظر بهداشتی و کنترل خشونت بهتر از بچه‌ای که در فضای ایزوله است عمل می‌کند؛

۳. بهداشت اجتماعی و روانی از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که حضور در مدرسه و ارتباط با همسالان بهداشت حرفه‌ای و اجتماعی بالاتری ایجاد می‌کند و فردی که طولانی مدت ایزوله شود، مستعد افسردگی است در نتیجه ارتباط اجتماعی‌اش مختل می‌شود؛

۴. دسترسی به اطلاعات مربوط به حفاظت از خود و دیگری است؛ یعنی در محیط مدرسه ما خطر را لمس می‌کنیم و بنا به اطلاعات ناظر بر محیط بهداشت فردی را جدی‌تر می‌گیریم. ولی در منزل این امکانات خودبه‌خود برای دانش‌آموز فراهم شده، حساسیت او پایین می‌آید و اطمینان کاذب از حمایت اطرافیان برای او ایجاد می‌شود در نتیجه اطلاعات کافی را در این زمینه کسب نمی‌کند.

۵. کمک به جوامع از طریق ارتفاع بازگشت والدین به کار؛ وقتی مدرسه تعطیل شود در صورتی که دانش‌آموز در سن پایین باشد والدین باید برای کمک به فرزند خود کار را تعطیل کنند در نتیجه اختلال در عرصه کار به‌وجود می‌آید که خود باعث بروز اختلال در سلامت جامعه می‌شود.

1. Physical
2. Mental
3. Social

توجه کنیم نباید تنها به فضای مجازی به‌عنوان جانشین کامل آموزش حضوری فکر کرد پس با رعایت پروتکل بهداشتی در ارتباط فیزیکی از جمله فیزیکی مدرسه، دیدن کالبد مدرسه، دیدن معلم و ... که اثر یادگیرنده زیادی دارد، غافل شویم.

## کدهای رفتاری در صورت بازگشایی مدارس:

برای ایجاد سلامت در جامعه کدهای رفتاری متعددی وجود دارد یعنی به فرض این که به گشایش مدرسه نزدیک می‌شویم باید کدهای رفتاری آن را بررسی کنیم:

### ۱. رعایت فاصله اجتماعی به چه معنا است؟

۱. فاصله بین فردی؛ ۲. تجمع؛ ۳. تردد؛ ۴. شست‌وشوی فردی. چهار کد رفتاری هستند که کشورهای موفق آن‌ها را رعایت کردند. تراکم جمعیتی گاهی فاصله بین دو نفر است و گاهی بین تعدادی از افراد که در محیطی خاص جمع شده‌اند. حال اگر دو نفر با فاصله یک و نیم متر کنار هم باشند امکان انتقال ویروس کم است اما سوال مهم این است که اگر تعداد زیادی از افراد با رعایت فاصله یک و نیم متری می‌توانند کنار هم جمع شوند باز هم میزان انتقال ویروس کم است. به گزارش سازمان جهانی بهداشت در مکانی با تراکم جمعیتی بیش از پنجاه نفر با فاصله یک و نیم متر آسیب‌زننده است در نتیجه برگزاری کلاس در مدرسه‌ای با دویست دانش‌آموز حتی با فاصله زیاد امکان‌پذیر نیست پس مدارس باید بسته به وضعیت شهر و کدهای رفتاری تا جای ممکن روزانه سی تا چهل دانش‌آموز را با فاصله یک تا دو متر در محل تدریس سامان‌دهی کنند. برای مثال ژاپن با تراکم جمعیتی بیشتر و وسعت کمتر از ایران، با وجود امکانات محدود نسبت به بقیه کشورها در امر آموزش موفق عمل کرد. در اولین مرحله میز مشترک را حذف کردند و فاصله بین میزها را یک متر در نظر گرفتند به طوری که اگر دانش‌آموزان دست‌شان را از دو طرف باز کنند برخوردی نداشته باشند. تب‌سنجی در هنگام ورود برای همه مدارس اجباری است و در هر کلاسی سیستم ضدعفونی وجود دارد و به بچه‌ها نحوه رعایت بهداشت و استفاده از مواد ضدعفونی را آموزش می‌دهند.

۲. تردد به چه معنا است؟ تردد یعنی علاوه بر رعایت فاصله اجتماعی، به مناطق آلوده سفر نکنیم تا خطر ابتلا بیشتر نشود. در تردد نکته مهم این است که مناطق ایزوله شوند. برای مثال کشور چین توانست با این راه‌کار بیماری کرونا را مهار کند و با زدن ماسک هوای واجد ویروس را پخش نکند در این صورت با رعایت این نکات می‌توان به بازگشایی مدارس در شرایط قرمز هم فکر کرد.

۳. فضای آنلاین یعنی چه؟ به این معنی است که یا همه به مدرسه برویم یا همه‌گی در خانه بمانیم. اخیراً آموزش و پرورش می‌گوید معلم به مدرسه بیاید و بچه‌ها در خانه باشند. حضور معلم به تنهایی، در مدرسه چه فایده‌ای دارد؟ بهتر است بچه‌هایی که مشکل دسترسی به اینترنت و تکنولوژی دارند به مدرسه بروند و معلم لباس رسمی بپوشد، پای تابلو برود و گوشی را دورتر قرار دهد تا دانش‌آموز خودش را در کلاس حس کند. در این میان باید جوادالائمه تجربه کشورهای مختلف را جمع‌بندی و عرضه کند. مثلاً با جمع‌آوری فعالیت‌های نمونه در فرهنگ آموزش مجازی آن‌ها را منتشر کنیم.

توجه کنیم نباید تنها به فضای مجازی به‌عنوان جانشین کامل آموزش حضوری فکر کرد پس با رعایت پروتکل بهداشتی در ارتباط فیزیکی از کالبد مدرسه، ارتباط مستقیم معلم با دانش‌آموز و ... که اثر یادگیرنده زیادی دارد، غافل نشویم. در این میان توجه به برنامه‌های تلفیقی اهمیت زیادی دارد یعنی ممکن است عده‌ای از دانش‌آموزان که نزدیک مدرسه هستند و نیازی به سرویس ندارند یا وضعیت خانواده‌شان بد است، به نوبت به کلاس بیایند و عده‌ای هم در خانه مطالب را دریافت کنند

در این میان باید برنامه‌های مجازی خوبی داشته باشیم. اجرای این مورد منوط به چیزی به نام سواد رسانه است که متأسفانه همه ما در سواد رسانه‌های عقب هستیم و رفتار ما خیلی پایین‌تر از سطح استاندارد است. از سال ۲۰۰۵ شاخص‌هایی برای سواد رسانه‌ای گفته شد که برای استفاده از فضای مجازی باید روی پنج اصل حساس باشیم:

۱-۳ استفاده از ابزار: سخت‌افزارها و نرم‌افزارها به طوری که اطلاعات کافی از کارایی آن و تشخیص سایت‌های معتبر از نامعتبر را داشته باشیم.

۲-۳ خودآگاهی به نیاز اطلاعاتی: یعنی باید بدانیم که چه استفاده‌ای از رسانه کنیم و آگاهانه به سراغ آموزش‌های جهانی برویم و با آن مرتبط شویم.

۳-۳ تفکر انتقادی: ما در معرض اطلاعات آشفته غلط و غیراستاندارد هستیم و باید قدرت این‌را داشته باشیم و بفهمیم کدام سایت پیام‌های ارزشی و خط‌دهنده دارند تا با دید انتقادی از چنین سایت‌هایی، اطلاعات مفید را استخراج کنیم.

۴-۳ سواد رسانه‌ای: سواد رسانه‌ای یک ترکیب است که می‌توانیم با خلاقیت و تلفیق درست اطلاعات و انتشار آن‌ها اطلاعاتی را دریافت کنیم تا به جواب مطلوبی برسیم.

۵-۳ آگاهی از تبعات حقوقی و اخلاقی فضای ارتباطی: به این معنی که من باید بدانم نشر شایعه چه اثرات منفی برای استفاده‌کنندگان دارد.

در نتیجه ایجاد حساسیت برای سواد رسانه مهم است و بهتر است برای ما نهادینه شود تا در آن تبحر پیدا کنیم. اما در وضعیت کرونایی باید حساسیت‌ها بیشتر شود و با اقتضائات آموزشی ترکیب شود.

• مساله حضور و غیاب: چگونه حضور و غیاب را کنترل کنیم؟ باید کدهای رفتاری برای دلایل غیبت دانش‌آموزان داشته باشیم. پس با دلایلی از قبیل قطعی اینترنت چگونه برخورد کنیم؟

• تعاملی بودن آموزش: آموزش مساله‌ای یک‌سویه نیست که تنها اطلاعات را توصیف کنیم و فقط یک‌سویه محتوا و کتاب را آموزش دهیم بلکه یک کلاس باید با پرسخ و پاسخ، تعامل و ایجاد فضای رفت و برگشت باشد. در نتیجه حضور موثر، متمرکز و منظم معلم و دانش‌آموز اهمیت دارد و باید این شاخص‌ها را به‌صورت کدهایی برای مدارس و خانواده‌ها ارسال کرد تا هنگام شروع کلاس دانش‌آموز سرحال و مرتب، روی صندلی خاص یا یک لیوان آب بنشیند.

• کانال سخت‌افزاری: آیا سیستم، حداقل امکانات را برای معلم و خانواده در نظر گرفته یا توقع داریم بالاترین مدل لپ‌تاپ را داشته باشند.

• نحوه ارزش‌یابی تحصیلی: احتمال تقلب در مدارس و دانشگاه‌های معتبر بسیار زیاد است. حتی شبکه‌ای از تقلب‌رسانی در میان استادان دانشگاه‌های دیگر تقلب می‌رسانند. دارد که به دانشجویان دانشگاه‌های دیگر تقلب می‌رسانند. برای ارزش‌یابی چه تعبیری اندیشیدید تا تقلب کمتر شود؟ در کشورهای توسعه یافته در سال گذشته فعالیت تلفیقی انجام شد تا تقلب سر کلاس کمتر شود و آن امکان استفاده از آزمون شفاهی بود و این روش باعث شد فعالیت افراد متکی بر دیگران منتفی شود.

• امکان ضبط و استفاده آفلاین درس: این کار بسیار مفید است مثلاً من برای دانشجویانی که چند جلسه سر کلاس نبودند سی‌دی تهیه کردم و به آن‌ها تحویل دادم.

آموزش مساله‌ای یک‌سویه نیست که تنها اطلاعات را توصیف کنیم و فقط یک‌سویه محتوا و کتاب را آموزش دهیم بلکه یک کلاس باید با پرسخ و پاسخ، تعامل و ایجاد فضای رفت و برگشت باشد.



**ضرورت  
به‌روزرسانی  
دانش به  
انگیزه‌معلمان  
وابسته‌است  
پس باید همه  
سرمایه‌گذاری‌ها  
روی معلم باشد  
زیرا او بهترین  
ارتباط بین شما  
و خانواده‌است.  
بنابراین هر ماه  
آموزش‌های  
دوره‌ای طراحی  
شود تا معلم با  
انگیزه، کلاس را  
با انگیزه بیشتر  
اداره کند.**

**ملاحظات کلی:**

فقر و جنسیت دو شاخص عدالت آموزشی است. آیا همه به یک اندازه از آموزش غیرحضوری استفاده می‌کنند؟ کرونا باعث شده فاصله بین فقیر، پول‌دار و تبعیض جنسیتی بین افراد زیاد شود. در این وضعیت، نابرخورداری جنس دختر از پسر بیشتر است یعنی وقتی پسرها از مدرسه محروم شوند می‌توانند در کوچه یا محلی با دوستان خود در تعامل باشند ولی تنها مکان برقراری تعامل اجتماعی در دخترها مدرسه است در نتیجه با تعطیلی مدارس فضای تعامل اجتماعی از او گرفته می‌شود و علایمی از قبیل افسردگی، اضطراب و خمودگی در او ایجاد می‌شود.

برای بچه‌ها بفرستند و شادی سنجیده ایجاد کنیم. ضرورت به‌روزرسانی دانش به انگیزه معلمان وابسته است پس باید همه سرمایه‌گذاری‌ها روی معلم باشد، زیرا او بهترین ارتباط بین شما و خانواده است. بنابراین هر ماه آموزش‌های دوره‌ای طراحی شود تا معلم با انگیزه، کلاس را با انگیزه بیشتر اداره کند.

مدرسه باید چیزی بیش از دانش نظری محدود به کنکور باشد. امروزه دانش‌آموزان کدهای تیک‌زدن به کنکور را یاد می‌گیرند در حالی که باید هویت اجتماعی بچه‌ها را تحکیم کنیم و به آن‌ها مهارت زندگی و بینش یاد دهیم. در کلاس‌های آنلاین این نیازها چگونه رفع می‌شود؟ در گذشته یادگیری پنهان در تعامل بین معلم و دانش‌آموز بود. معلم در حین اجرای قانون با حضورش در مدرسه برای دانش‌آموز یادگیری پنهان داشت مثلا چگونه حرف می‌زند، چه می‌پوشد، خشم خود را چگونه کنترل می‌کند، اخلاقی اجتماعی‌اش چگونه است

و ... این‌ها مواردی است که دانش‌آموز در مدرسه از معلم خود به‌طور پنهان یاد می‌گیرد و باید حواس‌مان باشد در تعطیلی مدرسه این موارد چطور آموخته شود یا فرهنگ سلامت تغذیه ورزش شست‌وشو می‌تواند در بسته‌های آموزش جمعی باشد می‌توانیم در این وضعیت بچه‌ها را به مطالعه در خانه تشویق کنیم و فایل‌های صوتی معرفی کنیم و فهرستی از مطالعات غیردرسی به آن‌ها بدهیم. پس باید حواس‌مان باشد تا در تعطیلی مدرسه فقط به علوم و ریاضی فکر نکنیم و جنبه‌های فرهنگی را هم در نظر بگیریم تا از تهدید کرونا، فرصت بسازیم. ....

**باید هویت  
اجتماعی بچه‌ها  
را تحکیم کنیم  
و به آن‌ها  
مهارت زندگی و  
بینش یاد دهیم.  
در کلاس‌های  
آنلاین این  
نیازها چگونه  
رفع می‌شود؟  
در گذشته  
یادگیری پنهان  
در تعامل  
بین معلم و  
دانش‌آموز بود.  
معلم در حین  
اجرای قانون  
با حضورش در  
مدرسه برای  
دانش‌آموز  
یادگیری پنهان  
داشت.**

